

## چالش های فرا روی سیاست خارجی اسرائیل در ائتلاف با آذربایجان و ترکیه

سرویس آذربایجان/خبرگزاری آران  
خبرگزاری آران / سرویس آذربایجان :  
لیلا ممیز &rlm; کارشناس روابط بین الملل  
بیان مساله :

از سال 1949 تا زمان فروپاشی شوروی که اساس روابط بین الملل ، جنگ سرد میان دو ابر قدرت شرق و غرب بود ، دولت اسرائیل این اصل را در سیاست خارجی خود دنبال می کرد که به سود غرب ایفای نقش کند . اسرائیل غرب را قانع ساخته بود که برای مقابله با توسعه طلبی کمونیسم نقشی منحصر به فرد دارد و برای جلوگیری از توسعه نفوذ اتحاد جماهیر شوروی در منطقه ، راهی جز تقویت دولت اسرائیل ندارد .

با فروپاشی شوروی نقش اسرائیل به عنوان سد کننده توسعه نفوذ کمونیسم از بین رفت . همچنین به دلیل حمله صدام حسین به کویت و آغاز جنگ خلیج فارس و به دنبال آن ورود مستقیم نیروهای غربی به منطقه ، نقش و جایگاه اسرائیل در چارچوب استراتژی غرب مورد تردید قرار گرفت و مساله فرایند صلح اعراب و اسرائیل و لغو تحریم های این رژیم از سوی پاره ای از کشورهای غربی نیز این مطلب را تقویت کرد . لذا دولت اسرائیل به دنبال ایجاد نقش جدیدی برای خود بود .

به عبارت دیگر ، سیاست خارجی اسرائیل همواره تحت تاثیر موقعیت ژئوپلیتیک آن ، اختلافات اعراب با اسرائیل و مشکل پذیرش موجودیت و مشروعیت آن توسط جامعه جهانی به ویژه دولت های عرب بوده است . در این راستا دو اصل کلی ، سیاست حضور و خروج از انزوای سیاسی و دیپلماتیک ، از ابتدا الگوی رهبران اسرائیل بوده است و بر این اساس اندیشه ائتلاف منطقه ای در دستور کار سیاستمداران اسرائیل قرار گرفت . چنانچه بن گوریون در پی ایجاد یک اتحاد خاورمیانه ای شامل کشورهای غرب گرا بود این استراتژی که ( پیمان میثاق حاشیه ای ) نامیده می شد بر این اصل استوار بود که سیاست خارجی اسرائیل باید متکی بر کشورهای پیرامون و غیر عرب باشد . این طرح کشورهایی مثل ایران ، ترکیه و اتیوپی را شامل می شد .

اما با پیروزی انقلاب اسلامی و در پیش گرفتن سیاست غرب ستیزی &ndash; اسرائیل ستیزی در سال 1978 این تلاش به ناکامی انجامید . از آن به بعد اسرائیل تلاش کرد روابط خود را با هر دو کشور مسلمان گسترش دهد تا چهره ضد اسلامی اسرائیل از بین برود . بر این اساس به ائتلاف با ترکیه و آذربایجان روی آورد ولی در این راستا سیاست خارجی اسرائیل با چالش هایی مواجه شده است .

بر این اساس می توان گفت که این گفتار در صدد یافتن پاسخی مناسب برای این سوال است که :  
سیاست خارجی اسرائیل در ائتلاف با آذربایجان و ترکیه با چه چالش هایی مواجه است ؟

به نظر می رسد که سیاست خارجی اسرائیل در ائتلاف با آذربایجان و ترکیه با دو قدرت منطقه ای ایران و روسیه با چالش مواجه شود .  
چالش های فرا روی سیاست خارجی اسرائیل در ائتلاف با آذربایجان و ترکیه :

در واقع آنچه سیاست خارجی اسرائیل را در رابطه با ائتلاف آذربایجان و ترکیه با چالش مواجه ساخته ، در وهله اول ، از بین رفتن سلطه گذشت مسکو به این مناطق ، و ایجاد نوعی خلاء امنیتی در مجموعه شوروی سابق ، که منجر گردید مسکو با سه انتخاب مواجه شود :

1- سلطه طلبی و احیای اتحاد شوروی سابق بر مبنای جدید

2- انزوای کامل و واگذاشتن جمهوری های سابق اتحاد شوروی به حال خود و امتناع از کوشش هایی در جهت تقویت اتحادیه

3- همکاری و همگرایی با جمهوری های جدید در جهت تامین منافع ملی روسیه و جلوگیری از گرایش های گریز از مرکز در جمهوری های انتخاب اول ، به خاطر ضعف عمومی روسیه و احتمال یک سلسله جنگ ها و مناقشات بزرگ و مخالفت قدرت های بزرگ امکان پذیر نیست . انتخاب دوم ، به دلیل مخالفت های

گسترده ملی گرایان ، وجود اقلیت های روس تبار در این جمهوری ها و منافع روسیه در این جمهوری ها دارد ، ممکن نیست ، اما انتخاب سوم ، به دلیل شرایط حاکم بر روسیه و منطقه تنها راه حل ممکن است .

علت اصلی اتخاذ چنین سیاستی ، اهمیت سیاسی ، اقتصادی و امنیتی کشورهای آسیای مرکزی و قفقاز برای روسیه بود . به همین خاطر ، از دیدگاه مسکو جمهوری های شوروی سابق می باید در حوزه نفوذ روسیه باقی بمانند .

به این ترتیب مسکو در خصوص سیاست خارجی ، سیاستی را پایه ریزی کرد که محور آن حفظ منافع ملی و برتری سنتی روسیه در منطقه بود . این سبک از دکترین مونروئه روسی ابعاد جدیدی به خود گرفت . از جمله ممانعت از نفوذ سایر کشورها به منطقه ، که بعد از فروپاشی شوروی ، نفوذ کشورهای مختلف به این مناطق باعث شد تا « بازی بزرگ » که در قرن 19 میان دولت های روس و انگلیس بود ، مجدداً با بازیگری جدیدی در منطقه شکل بگیرد .

از سوی دیگر ، روسیه تمایل دارد که به عنوان جانشین و ادامه دهنده شوروی سابق در موضوع انتقال نفت به بازار جهانی حرف اول را بزند . از این رو ، تلاش روسیه برای گرفتن سهام در پروژه های نفتی است و همین طور تلاش برای جلب سرمایه گذاری ها و موافقت کشورهای آسیای مرکزی و قفقاز با استفاده از خط لوله روسیه برای صدور نفت و گاز منطقه از اهداف سیاست خارجی روسیه می باشد . در این زمینه روسیه تلاش کرده در تمام پروژه های نفتی با تحت فشار گذاشتن کشورهای آسیای مرکزی و قفقاز سهمی برای خود بگیرد .

چالش دیگر اسرائیل در سیاست خارجی خود در ائتلاف با آذربایجان و ترکیه ، وجود ایران در منطقه به عنوان یک قدرت منطقه ای است . در واقع ، ورود شرکتهای چند ملیتی غربی در منطقه و همچنین ترکیه و اسرائیل با دیده ظن و تردید از طرف ایران نگریسته می شود ، ترکیه دست نشانده غرب در منطقه تلقی می شود و اسرائیل نیز بزرگترین دشمن جمهوری اسلامی ایران می باشد که هدفش جلوگیری از نفوذ انقلابی اسلامی و نابودی آن می باشد .

در چارچوب سیاست خارجی ایران ، ثبات منطقه ، جلوگیری از نفوذ دشمنان ، توسعه حسن همجواری و همکاری اقتصادی و حفظ روابط دوستانه با روسیه و جمهوری های آسیای مرکزی و قفقاز تامین می شود .

از نگاه ایران ، برقراری روابط با کشورهای آسیای مرکزی به احیای جایگاه طبیعی ایران در منطقه منجر می شود . در این راستا ، ایران خواهان ایجاد توازن منطقه ای ، حفظ ثبات ، جلوگیری از محاصره و پیشبرد اهداف اقتصادی و فرهنگی خود می باشد . همچنین میان عناصری از قبیل ثبات اقتصادی &ndash; سیاسی و امنیت ، روابط اقتصادی &ndash; سیاسی و توسعه فرهنگی و روابط اقتصادی &ndash; سیاسی و توسعه تفاهم و ثبات منطقه ای ارتباطی تنگاتنگ برقرار کرده است .

از دیدگاه ایران ، استقلال کشورهای حوزه جنوبی شوروی سابق موجب احیای موقعیت جغرافیایی &ndash; اقتصادی و تاریخی ایران می شود . از این رهگذر ، ایران به مثابه گذرگاه شمال &ndash; جنوب و شرق &ndash; غرب اروپا ، خاورمیانه ، کشورهای مشترک المنافع آسیای شرقی و جنوبی را به یکدیگر متصل خواهد کرد .

ایران تلاش می کند با ترسیم دورنمایی از خود به عنوان مرکز جغرافیایی &ndash; اقتصادی نظام گسترده مبادلات و تجارت ، موقعیت منطقه ای خود را تحکیم و انزوای خود را کم رنگ کند . همچنین امیدوار است به عنوان یک قدرت جغرافیایی &ndash; اقتصادی در منطقه ظهور کند و خود را محور شبکه جدید ارتباطی ومواصلاتی مبدل سازد . در عین

حال ، این چشم انداز می تواند ، چهره ای سیاسی نیز به خود گرفته و نقش ایران را در توسعه اقتصادی و جهت گیری جهانی کشورهای حوزه جنوبی شوروی سابق حیاتی جلوه دهد .

بنابراین ، شواهد موجود نشان دهنده آن است که ایفای نقش جدید اسرائیل در چارچوب استراتژی غرب در منطقه ، به منظور مقابله با نفوذ ایران و روسیه در منطقه صورت می گیرد .

بر اساس گزارش محرمانه ای که سازمان سیا به همراهی وزارت امور خارجه اسرائیل تدوین کرد ، باید در خاورمیانه نقش جدیدی به دولت اسرائیل واگذار شود . این گزارش که با نظارت ساموئل برگر ، مشاور امنیت ملی ایالات متحده آمریکا ، تدوین شده است ، توصیه می کند که تلاشهای اسرائیل برای نفوذ در جمهوری های شوروی سابق هدایت شود ، تا اسرائیل در رأس مبارزه علیه نفوذ ایران و روسیه قرار گیرد . در این سند ، نقش اسرائیل به عنوان « کوبای آمریکا » در منطقه بی ثبات آسیای مرکزی و قفقاز و دریای مازندران خوانده شده ، و از ترکیه به عنوان هم پیمان اصلی اسرائیل برای نفوذ در منطقه نام برده شده است .

در واقع توجه اسرائیل به کشورهای آسیای مرکزی و قفقاز به خصوص آذربایجان در جهت احیاء و اعمال دکترین بن گوریون درباره روابط پیرامونی است . همانطور که در آن زمان ، هدف از رابطه و پیمان با ترکیه ، ایران و اتیوپی چیزی جز شکستن حلقه اعراب در اطراف اسرائیل نبود ، امروز نیز هدف این کشور در تعقیب استراتژی های پیرامونی و نگاه به

ماورای افق ، چیزی جز شکستن حلقه کشورهای مخالف نیست . در تعقیب استراتژی نگاه ماوراء فوق از یک دهه قبل ، گرایش راهبردی اسرائیل به آسیای جنوبی نیز گسترش یافته ، و با رشد و علاقه مندی ها به تقویت روابط دو جانبه با دولت یهود در سالهای اخیر ، شدت نیز یافته است .

چالش دیگری که اسرائیل در سیاست خارجی خود در ائتلاف با ترکیه و آذربایجان روبرو است فناوری هسته ای ایران است که باعث ایران ترسی آنها شده است . بدین ترتیب ،

ترس دولتمردان اسرائیل از دستیابی ایران و دشمنان این رژیم در خاورمیانه به سلاح ها و فناوری هسته ای موجود در آسیای مرکزی و منطقه همواره مورد تاکید رهبران حکومت اسرائیل قرار گرفته است .

علاوه بر چالش های فوق اسرائیل سیاست خارجی در منطقه نیز با آسیب پذیری هایی روبرو است که عبارتند از :

• تقویت جنبش اسلامی حماس در نوار اشغالی غزه

• تضعیف تشکیلات خودگردان در مناطق اشغالی 1967

• تقویت جنبش مقاومت حزب الله به ویژه پس از جنگ 33 روزه، در لبنان و منطقه

• بن بست در مذاکرات با سوریه پیرامون آینده منطقه اشغالی جولان

• تحریم سیاسی اسرائیل از سوی اکثر قریب به اتفاق ملت های ساکن در کشورهای خاورمیانه

• تخریب قدرت بازدارندگی نظامی- روانی اسرائیل پس از جنگ 33 روزه

• تقویت ائتلاف منطقه ای دشمنان رژیم صهیونیستی (ایران، سوریه، حزب الله و حماس)

• تضعیف جریانهای محافظه کار منطقه به ویژه در شرایط بحرانی

• فشار افکار عمومی ملت های منطقه بر تساهل و تسامح دولت‌های خواستار مذاکره با این رژیم

• تداوم تهدیدات منطقه ای از سوی دشمنان اسرائیل

در واقع همه این عوامل باعث شده که سیاست خارجی اسرائیل در ائتلاف با آذربایجان و ترکیه با چالش هایی مواجه شود .

بهره کلام :

رهبران رژیم صهیونیستی جهت رفع نگرانی های امنیتی خود و همچنین خروج از انزوای سیاسی به ایجاد ائتلاف با آذربایجان و ترکیه اقدام کرده و به انعقاد پیمانهای نظامی و امنیتی با ترکیه و آذربایجان مبادرت ورزیده است . ولی در این راستا سیاست خارجی اسرائیل در ایجاد ائتلاف با آذربایجان و ترکیه با چالش هایی مواجه شده است . که می توان گفت روسیه و ایران به عنوان دو قدرت منطقه ای مانع بالقوه ای در برابر گسترش حضور اسرائیل در منطقه هستند . مرزهای ابر قدرت سابق در این جمهوری ها به طور سنتی نقش برجسته ای در سیاست و اقتصاد ایفا کرده است . طی دوره بعد از سقوط اتحاد شوروی ، کشورهای اوراسیا موضعی اتخاذ کردند که برای اهداف سیاست خارجی اهمیت نخست را داشت . بنابراین جای شگفتی نیست که روسیه با درگیر شدن اسرائیل در منطقه به شدت مخالفت ورزد.

از سوی دیگر جمهوری اسلامی ایران نیز که به عنوان یک قدرت منطقه ای و هم مرز با آسیای مرکزی و قفقاز از سال 1995 ، روابط استراتژیکی با روسیه برقرار کرده است و به تبع آن تحرکات ایدئولوژیک خود را در این منطقه کاسته است و در جهت تنش زدایی منافع استراتژیک خود را به صورت پراگماتیسم شکل داده و فصل جدیدی را در روابط خود با

کشورهای منطقه به خصوص جمهوری های آسیای مرکزی و قفقاز و روسیه ایجاد کرده است .

از طرف دیگر روسیه به این کشورها به عنوان منطقه « خارج نزدیک » نگاه می کند و تامین امنیت آن را اولویت سیاست خارجی خود می داند به همین خاطر با حضور اسرائیل و ترکیه در منطقه به شدت مخالفت ورزیده است . زیرا سقوط اتحاد جماهیر شوروی همان فرصتی را که برای اسرائیل پیش آورده است ، برای دولت ترکیه نیز به وجود آورده است و

باعث یک چرخش در سیاست خارجی ترکیه شده است و این کشور را واداشته است تا در جستجوی راههایی برای رخنه سیاسی و اقتصادی و تاکتیکی در

جمهوری های آسیای مرکزی و قفقاز برآید .

تمایل به گسترش الگوی ترکی دموکراسی پارلمانی ، اقتصاد بازار نسبتاً آزاد و سکولاریسم در یک جامعه اسلامی به تلاشهای ترکیه انگیزه جدید داده است ، احیای جهان ترکی این فرصت را به ترکیه داده است تا اهمیت ژئواستراتژیک قبلی خود را به دست آورد که این امر با مخالفت ایران و روسیه مواجه شده است و باعث شده اند که سیاست خارجی

اسرائیل در ائتلاف با ترکیه و آذربایجان با چالش هایی مواجه شود .